

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

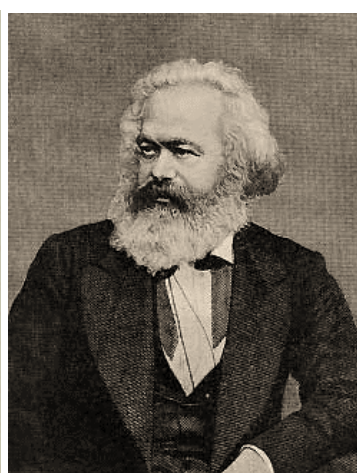
سیاسی

نویسندگان: مارکس-انگلس
برگردان از: حمید محوی
ویراستار پورتال: موسوی
۲۸ جنوری ۲۰۱۹

پرولتاریای جهان متحد شوید!



فردریش انگل



کارل مارکس

گزیده نوشته ها درباره استعمار

۱۸

۲۹- کارل مارکس : منتخب از مقاله : « شورش در هند »

لندن، ۱۴ اگست ۱۸۵۷
نیویورک دیلی تریبون شماره ۵۱۰۴
۲۹ اگست ۱۸۵۷

...روشن است که به دلیل ضعف و تزلزل، و به دلیل اشتباهات جنرال های بریتانیایی، دهلی به مرکز امور سیاسی و نظامی شورش هند ارتقاء یافت.

عقب نشینی ارتش بریتانیا، پس از محاصره دراز مدت و با باقی ماندن در وضعیت دفاعی که به مثابه شکست تلقی می شد، سر آغازی بود برای انفجار عمومی. علاوه بر این، چنین وضعیتی تلفاتی سنگین به قطعات بریتانیایی تحمیل می

کرد که تا کنون از آن به علت تحرکی که در محاصره داشتند و خروج هائی که انجام می دادند و امیدی که در به خون کشیدن دشمن داشتند در امان مانده بودند. ولی آنچه در مورد کاهلی هندی ها می گویند و یا دلبستگی آنان به سلطه بریتانیا روایت می کنند، حرف پوچی بیش نیست. یک شاهزاده واقعی آسیائی می داند که باید منتظر موقعیت مناسب باقی بماند. مردم در سراسر بنگال، جائی که دیگر مجبور به اطاعت از یک مشت اروپائی نیستند، از هرج و مرج پر سعادتی بهره می برند، ولی هیچ کس نیست که علیه او شورش کنند. انتظار غریبی ست که بخواهیم شاهد شورش نظیر انقلاب های اروپائی در هند باشیم. در مراکز مدراس و بمبئی ارتش در سکوت به سر می برد و مردم نیز طبیعتاً حرکتی نمی کنند. پنجاب که برای نیروهای اروپائی نقش مرکزی ایفاء می کند، ارتش بومی آن خلع سلاح شده است. برای شوراندن آنان شاهزاده های نیمه مستقل همسایه باید تمام وزن خود را در ترازو بگذارند. ولی جنبشی که در ارتش بنگال به وقوع پیوست، با تمام انشعبات و شاخ و برگ هایش در سطح بسیار گسترده، بی آن که از تبانی اهالی هند برخوردار باشد قابل تصور نیست، به همان گونه که مشکلاتی که انگلیس ها برای مایحتاج و حمل و نقل دارند – یعنی عوامل اصلی که کندی تمرکز قوایشان را توضیح می دهد – حاکی از نبود امکانات دهقانان است.

۳۰- کارل مارکس : تحقیق درباره شکنجه در هند

لندن، ۱۴ اگست ۱۸۵۷
نیویورک دلی تریبون شماره ۵۱۲۰
۱۷ سپتمبر ۱۸۵۷

دیروز نامه مربوط به شورش هند را به چاپ رساندیم، گزارش ما در لندن به برخی پیش درآمدهائی اشاره داشت که به انفجار خشونت بار کنونی انجامید. امروز می خواهیم به برخی از این امور بپردازیم و نشان دهیم که اربابان بریتانیائی به هیچ عنوان نیکوکاران معصومی نیستند و بی آن که مردم هند را به حساب آورند، می خواهند آن را به جهان خودشان ضمیمه کنند. از همین رو ما به کتاب های آبی رسمی درباره شکنجه در هند شرقی مراجعه می کنیم که در اجلاسهای سال ۱۸۵۶ و ۱۸۵۷ در اختیار مجلس عوام قرار گرفته بود^۱. چنان که خواهیم دید، وقایع به شکلی روی داده اند که انکار ناپذیر اند.

در حله نخست ما به پرونده هیأت تحقیقاتی درباره شکنجه در مدراس مراجعه می کنیم^۲ که «با اطمینان وجود گسترده شکنجه را در خصوص منافع مالیاتی» تأیید می کند و در مواردی نظیر آنچه در زیر خواهد آمد تردید دارد که: «تعداد اشخاصی که هر ساله تحت تعقیب قانونی بوده و مورد خشونت قرار می گیرند، مطابق است با تعداد افرادی که مالیات نمی پردازند».

و اعلام می کند که: «آنچه موجب تأسف هیأت تحقیقاتی شد، این بود که نه فقط افرادی قربانی شکنجه بوده اند بلکه برای کسب جبران خسارت نیز دچار مشکل هستند».

دلایل این مشکل مبنی بر گزارشات هیأت تحقیقاتی چنین است:

۱- فاصله آنهایی که می خواهند شکایت کنند و مراکز جمع آوری شکایات، با مخارجی همراه است که خود آنان باید به عهده بگیرند و اتلاف وقت است.

۲- ترس از این که هر گونه اقدام کتبی مهر برگشت بخورد و با قید رایج «به تحصیلدار ارسال شد»، یعنی پولیس و کارگزار مالیاتی منطقه، یعنی همان فردی که توسط زیر دستانش عمل خلاف را انجام داده است.

۳- فقدان امکانات قضائی کافی برای محاکمه کارگزاران دولتی، حتا وقتی در مجرم بودن متهم هیچ شک و تردیدی وجود ندارد. گویا که اگر چنین اتهامی در حضور قاضی به اثبات رسد، او یگانه مجازاتی که می تواند در نظر گیرد جریمه کردن مجرم به پنجاه روپی یا یک ماه حبس است. گزینش دوم عبارت است از به تعویق انداختن اتهام و ارجاع پرونده به «به قاضی جنائی که مجازات توسط او تعیین شود...»

«اینگونه به نظر می رسد که اقامه دعوا خیلی طولانی بوده و تنها در برخی موارد قابل اجراست، یعنی مواردی نظیر سوء استفاده از قدرت نزد پولیس که در این مورد شکایت نامه کاملاً بی فایده است».

مأمور پولیس یا مأمور مالیات – که هر دو یک نفر است – زیرا پولیس مالیات ها را دریافت می کند، وقتی به سوء استفاده متهم می شود، در گام نخست توسط معاون تحصیلدار محاکمه می شود، او می تواند اقامه دعوا را به تحصیلدار، و سپس به دفتر مالیات واگذار کند. این دفتر نیز به سهم خود می تواند پرونده را به دادرهای اداری یا به مراجع مدنی

¹ «East India (Torture)», London 1855-1857

² «Report of the commission for the Investigation of Alleged Cases of Torture at Madras», London 1855

بسیار د.

« با چنین وضعیتی برای قوانین، هیچ رعیتی با فقر اسفناکش هرگز نمی تواند در مقابل کار گزاران ثروتمند اداره مالیات از حق خودش دفاع کند و ما هیچ شکایت نامه ای از جانب مردم، بر اساس قوانین ۱۸۲۲ و ۱۸۲۸ مشاهده نکرده ایم.»

علاوه بر این، از دیدگاه قانونی بزهکاری مالی در مورد تصرف اموال عمومی و تحمیل مالیات اضافی به رعایا از سوی کارگزاران پولیس تنها در صورتی واجد مفهوم است که به قصد سوء استفاده شخصی صورت گرفته باشد. ولی هیچ راه قانونی برای مجازات سوء استفاده از قدرت برای وصول مالیات وجود ندارد. پرونده ای که ما به آن اشاره داریم تنها به ریاست مدراس مربوط می شود، ولی لرد دالھوسی^۳ به تاریخ ۱۸۵۵ به هیأت مدیران می نویسد :

« مدتهاست که در خصوص کاربرد شکنجه، توسط کارگزاران رده پائین، تحت اشکال مختلف در مناطق بریتانیائی، تردیدی وجود ندارد.»

به این ترتیب وجود گسترده شکنجه به مثابه جزئی از مؤسسات مالی هند بریتانیائی تأیید شده است، ولی به شیوه و شکلی که دولت بریتانیا را از آن مبرا می سازد. در واقع آنچه از نتیجه کار هیأت پژوهشی مدراس به دست آمده این است که مسوولیت شکنجه کاملاً به کارگزاران هندی رده پائین نسبت داده شده است در حالی که اگر چه کارگزاران اروپائی همیشه در این زمینه موفق نبوده اند، این نوع سوء استفاده ها را افشاء کرده اند. در پاسخ به این دعوی، انجمن اهالی مدراس در جنوری ۱۸۵۶ شکایت نامه ای به پارلمان ارائه و در خصوص شکنجه به موارد زیر اشاره کرده اند:

۱- تقریباً هیچ تحقیقی انجام نگرفته بود و هیأت پژوهشی فقط در شهر مدراس مستقر بود و فقط برای سه ماه، در حالی که به جز چند مورد معدود، برای افراد محلی که شکایت کرده بودند ممکن نبود محل زندگی شان را ترک کنند.

۲- کمیسرها در پی ریشه مسائل نبودند، اگر چنین کرده بودند حتماً آن را در روش جمع آوری مالیات پیدا می کردند.

۳- درباره متهمان بومی تحقیقی صورت نمی گرفت تا روشن شود که رؤسای آنها تا چه اندازه به چنین اعمالی آگاه بوده اند.

آنانی که شکایت نامه را نوشته اند می گویند : «مسوولین چنین ستمی آنانی نیستند که مستقیماً اقدام به عمل مجرمانه کرده اند، بلکه مجرم اصلی کارگزاران، مقامات ارشد و آنانی هستند که مسوول بازدهی مالیات ها بوده و به نوبت خود باید پاسخ گوی مقامات ارشد باشند و سرانجام آنانی که در مقابل دولت مسوول هستند.»

در واقع مبنی بر اظهارات هیأت پژوهشی که به برخی از مطالب شکایت نامه استناد می کند، پرونده مدراس این نظر را تأیید می کند که « سرزنی متوجه انگلیس ها نیست». یکی از بازرگانان به نام کلهوف^۴ می گوید :

«شیوه های شکنجه متنوع است و بر اساس تخیلات تحصیلدار و زیر دستانش انجام می گیرد، ولی مشکل بتوانم بگویم که مقامات ارشد به چنین شکایاتی رسیدگی کرده و جبران خسارت به عمل آورده اند، زیرا تمام شکایات جهت رسیدگی عموماً به خود تحصیلدار باز گردانده می شود.»

بین شکایاتی که توسط اهالی نوشته شده است، چنین می خوانیم :

« سال گذشته، در برداشت برنج به علت نبود ریزش باران خساراتی به بار آمد و ما مثل همیشه توان پرداخت مالیات را

³ Lord Dalhousie

⁴ M.W.D.Kohlhoff

نداشتیم. وقتی «جامه بندی»^۶ تشکیل شد، ما به علت خسارات وارد آمده و بر اساس قراردادی که در سال ۱۸۳۷ امضاء کرده بودیم، یعنی وقتی آقای ادن^۷ هنوز مأمور مالیات بود، در خواست تخفیف کردیم. ولی با درخواست تخفیف برای ما موافقت نشد و ما نیز از پذیرش کاغذهای مالیاتی امتناع کردیم. تحصیلدار به شدت ما را تهدید کرد و از ماه جون تا ماه اگست به ما مهلت داد. من به همراه دیگران به دست افرادی سپرده شدیم که ما را در معرض آفتاب قرار دادند. روی پشت ما در حالت خمیده سنگ گذاشتند و مجبورمان کردند که در چنین وضعیتی روی ماسه های داغ باقی بمانیم. پس از گذشت هشت ساعت ما را رها کردند که به برنجزارهایمان بازگردیم. این روش های عذاب آور سه ماه به طول انجامید. در این مدت ما چندین بار به کارگزار مالیات شکایت بردیم ولی هیچ گاه به نتیجه نرسید. دوباره شکایت نامه هایمان را به دیوان قضائی^۸ فرستادیم که دوباره به کارگزار مالیات بازگردانده شد. هنوز به شکایات ما رسیدگی نشده و عدالت برقرار نگردیده است. در ماه سپتمبر اخطاریه ای دریافت کردیم و بیست و پنج روز بعد اموال ما را مصادره کردند و به فروش رساندند. با زنان ما نیز بد رفتاری کردند، به پستانهای آنها چنگ انداخته و می فشردند. یک مسیحی بومی به کمیسرها پاسخ می گوید:

«وقتی رژیمان اروپائی یا بومی عبور می کند، تمام رعایا ملزم به تهیه آذوقه و جز اینها برای آنان هستند، اگر کسی بهای محصولاتش را مطالبه کند، شدیداً او را شکنجه می کنند.»

در اینجا به اتفاقی که برای یک براهمانی روی داد بود می پردازیم. زمانی که کار ساختمان پل کلرون^۹ آغاز شده بود، او از جانب تحصیلدار همراه با دیگر اهالی دهکده و دهکده های پیرامونی مأمور شده بودند که تخته چوب، ذغال، چوب برای بخاری و غیره بیاورند. امتناع براهمانی موجب شد که او را به دوازده نفر بسپارند که او را به اشکال مختلف شکنجه کردند و اضافه می کند:

«من به معاون کارگزار مالیاتی آقای کادل^{۱۰} شکایت بردم، ولی او بی هیچ تحقیقی شکایت نامه مرا پاره کرد. او می خواهد ساخت پل کلرون را با هزینه کم و به هزینه اهالی فقیر بسازد زیرا می خواهد در چشم دولت خوب جلوه کند. بد رفتاری های تحصیلدار هر چه باشد، چنین مسائلی برای دولت اهمیتی ندارد.»

اشکالی که این نوع کارهای غیر قانونی در حد اعمال زور و خشونت به خود می گیرد، برای مقامات عالی نمونه ای بارزتر از بریریتون^{۱۱}، کمیسر منطقه لودهیانه^{۱۲} در پنجاب، به سال ۱۸۵۵، نمی توانست وجود داشته باشد. بر اساس گزارش کمیساریای عالی پنجاب، ثابت شده است که:

«با آگاهی یا با ابتکار عمل مستقیم معاون کمیسر، بریریتون، منازل شهروندان ثروتمند بی هیچ دلیلی مورد بازرسی قرار گرفت و اموالشان توقیف شد؛ و چنین اعمالی به شکل دراز مدت ادامه داشته است. تعداد زیادی از افراد هفته ها بی آن که اتهامی متوجه آنها باشد به زندان انداخته شده اند و قوانین امنیتی علیه افراد مشکوک به شدت و بی هیچ تفکیکی به اجراء گذاشته شده است. معاون کمیسر همراه با افسران پولیس و خبر چین هایش مناطق متعددی را زیر پوشش چنین عملیاتی قرار می دهد، و همین افراد بودند که دست به چنین اعمال غیر قانونی زده اند.»

لرد دالھوسی بطور خلاصه درباره چنین جریانی می گوید:

Jamabandi^۵ کاسه مالیات یا ظرف مالیات:

^۶ M.Eden

^۷ در اینجا به شکل دیوان قضائی ترجمه شده است. مطمئناً باید La Cour de Circuit اسم دیگری داشته باشد.

^۸ Coleroon

^۹ M.W.Cadell

^{۱۰} M.Brereton

^{۱۱} Ludhiana

«ما مدارک انکار ناپذیری در اختیار داریم، بی آن که بریریتون نیز آنها را انکار کرده باشد، که این کارگزار متهم است و تمام جرائمی که در این پرونده منعکس شده و انباشته از اعمال نا متعارف و غیر قانونی بوده، و کمیسر عالی علیه او اقامه دعوا کرده است. چنین موضوعی بخشی از کارگزاری رسمی بریتانیا را بی اعتبار کرده و به تعداد زیادی از شهروندان بریتانیایی بی عدالتی آشکاری را روا داشته است. افراد بسیاری بی هیچ دلیلی به زندان انداخته شده اند و مورد شکنجه قرار گرفته اند.»

لرد دالهوسی پیشنهاد می کند که مقابله رسمی با چنین امری باید نمونه باشد و می گوید :

«بریریتون در حال حاضر برای ادامه مأموریتش در مقام معاون کمیسر شایستگی نداشته و باید به مقام پائینتری تنزل داده شود.»

این گزارش را با منتخبی از شکایات اهالی تالوک^{۱۲} در منطقه کنار^{۱۳} در ساحل مالابار^{۱۴} به پایان می بریم، که پس از اشاره به مراجعات متعدد و بی حاصلشان به مقامات دولتی، به مقایسه موقعیت خود در گذشته و حال می پردازند :

«در دورانی که ما روی زمین های تر و خشک، زمین های روی تپه و مناطق جنگلی کشاورزی می کردیم، در حکومت «رانی»^{۱۵} بهادر و تیپو^{۱۶} مالیات کمی می پرداختیم و از آرامش خوبی برخوردار بودیم، خدمتکاران دولتی سهم اضافی مطالبه می کردند که هرگز نپرداختیم. موضوع مالیات موجب محرومیت و اقدامات خشونت بار علیه ما نمی شد... ولی از زمانی که این کشور به دست کمپانی محترم^{۱۷} افتاد، چنین افرادی از هر وسیله ای برای استثمار ما استفاده کردند. با چنین اهداف زیان باری انواع و اقسام قواعد و قانون اختراع کرده و به مأموران مالیاتی و قضات شهر ابلاغ کردند که به اجراء گذاشته شود. ولی در اوایل مأموران مالیات و کارگزاران بومی و زیر دستانشان به شکایات و خواست های ما رسیدگی می کردند. ولی امروز به عکس، مأموران مالیاتی و زیر دستانشان جهت پیشبرد اهداف خودشان منافع مردم را زیر پا می گذارند و به شکایات ما نیز گوش نمی کنند و هر گونه رفتار خشونت آمیزی را علیه ما به کار می بندند.»

در اینجا ما تنها مختصراً به گوشه ای از تاریخچه حاکمیت انگلیس در هند پرداختیم. در مقابل چنین وقایعی، افراد بی غرض و خردمند احتمالاً از خودشان خواهند پرسید که آیا قیام مردم هند برای بیرون راندن اشغالگران خارجی قابل توجیه نیست ؟ و اگر انگلیس ها در کمال خونسردی به چنین اعمالی دست زده اند، آیا تعجب آور است که هندی های شورشگر در قیام و منازلشان به خشونت و جنایت متهم شوند ؟

ادامه دارد

نوشته کارل مارکس، ۲۸ اگست ۱۸۵۷

منتشر شده در نیو یورک دیلی تریبون شماره ۵۱۲۰، در ۱۷ سپتمبر ۱۸۵۷

¹² Taluk

¹³ Canara

¹⁴ Malabar

¹⁵ Rani

¹⁶ تیپو صاحب Tippou

¹⁷ Compagnie des Indes orientales کمپانی هند شرقی